

# صحنه سازی در قضیه پارسا

امیرفیض- حقوقدان

انگیزه این تحریر در راستای احترام به بیانات اعلیحضرت در دسامبر سال ۲۰۰۹ است که میتواند برای تحریر حاضر نوعی لزوم انتشار محسوب شود.

## ((هم مبهانم))

بیانید در این روزهای سرنوشت ساز هستی مان، بیانید در این پیچ بزرگ تاریخی که در آن ایستاده ایم و هر اندیشه و گویش و گنش مان میتواند نه تنها زندگی شخصی بلکه هستی نوادگان و نسل های بی شمار آینده مان را نیز دگرگون کند \* تاجانی که در توان داریم وقوه خودمان اجازه میدهد در راه راستی و راستان بکوشیم و از دروغ و دروغ منشانی دوری جوئیم \* آری بیانید تاهمگی باهم، همراه بانیاکاتمان و ملهم از آنان از خداوند جان و خرد بخواهیم که ایران عزیز ما را نه تنها امروز بلکه همیشه از دشمن و دروغ و خشکسالی معنوی و مادی دور نگهدارد.

خداوند نگهدار ایران باد

(رضاپهلوی))

✓ ملخص بیانات و نیت اعلیحضرت نگرانی از نقش دروغ و صحنه سازی است که بوسیله گفتار و کردار افراد، نه تنها زندگی شخصی افراد که هستی نوادگان و نسل های بیشمارانی را در هم خواهد پیچید.

تشریح عظمت نقش ویرانگر دروغ و صحنه سازی و تاثیر آن در هستی ما، در بیان اعلیحضرت نیازی به تعلق بحث و تفسیر ندارد <دانایان را اشارتی کافی است>.

تکلیف همراه پیام، کوشش در افشای دروغ و صحنه سازی و محکوم ساختن دروغگویان و صحنه سازان است.

بنابراین به اعتبار تکلیفی که اعلیحضرت مقرر فرموده اند این تحریر منظم و باتفاق ایرانیان حضور اعلیحضرت تقدیم میگردد.

## صحنه سازی آدم سه اسمه

نامهای متعددی از قبیل یاشار پارسا و یاشار گمنامیان که مهدی خسروی از آنها استفاده و خود را معرفی میکرده یک دستاورد پیش پا افتاده ای است که ایرانیان خارج از کشور از آن کاملاً بی اطلاع بوده اند، و آن اینکه نام اصلی آن آدم! سه اسمه مهدی خسروی بوده و این راز آنطور که معلوم شده از سوی

جمهوری اسلامی آشکار شده و این درحالی است که هم شخص مزبور در میدان مبارزه علیه جمهوری اسلامی در مقام و موقعیتی حساس قرار دارد و هم قرار آن موقعیت، از ابتدا شفاف سازی و پرهیز از دروغ و صحنه سازی بوده است، و این جریان نشان از بی بند وباری بخشی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی و ساده انگاری و سرزیربرف کردن آنان و عدم آگاهی از اشراف جمهوری اسلامی در مبارزه ایرانیان دارد.

## ماهیت ماجرای خسروی

حساسیت بیانات اعلیحضرت و توجه آن به صحنه سازی در کار سیاسی ایجاب میکند که بی پرده گفته شود. ظاهر ماهیت ماجرای مهدی خسروی ممکن است به صحنه سازی و یا کلاهبرداری سیاسی نزدیک باشد و لذا اصل احتیاط و حفظ سلامت مبارزه ایجاب میکند که نسبت به موضوع با حساسیت بیشتری نگاه شود.

## صحنه سازی و کلاهبرداری چیست

غره ساختن مردم به امور واهی صحنه سازی است که دست‌آورد آن میتواند کلاهبرداری باشد. اگر در نتیجه صحنه سازی، مالی از کسی برده شود کلاهبرداری مالی است و اگر در نتیجه صحنه سازی کسی به مقاماتی برسد و یا کسب نام و شهرت کند عمل او میشود کلاهبرداری سیاسی.

دامنه کلاهبرداری و صحنه سازی بسیار وسیع است حتی کسی که از اعتماد مردم سوء استفاده میکند و یا وقت کسی را بی مورد تلف میسازد و یا وعده های توخالی در مبارزه میدهد و امثال آنها و در مدار کلاهبرداری قرار میگیرد (قابل توجه بسیاری از اشخاص).

## موقعیت خسروی

در مدار تشخیص جریان خسروی و تطبیق آن با صحنه سازی و یا کلاهبرداری سیاسی نمیتوان موفقیتی داشت؛ الا آنکه موقعیت سیاسی خسروی مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد که این تحریر به آن وارد میشود.

**این تحریر میخواهد گفته باشد که خسروی بر حسته ترین ایرانی است که توانسته است با صحنه سازی**

**و استفاده از هرج و مرج و مرز حاکم بر مبارزه و ظاهر سازی و استفاده از ضعف و یا اعتماد اعلیحضرت، فلسفه**

**مشروعیت مبارزه سلطنت طلبان را از حیطة اقتدار حقوقی ساقط سازد.**

**خدمتی که مهدی خسروی در این راستا به جمهوری اسلامی کرده، هیچ ایرانی چه قشری مذهبی، چه**

**کومونیست، چه جنبش سبزی و چه مجاهد خلقی، تاکنون حتی یک دهم آنرا در جهت محکومیت سلطنت**

۱ - البته بسیار مهم و قابل توجه است که اصرار و تاکید در شورای به اصطلاح ملی، در آغاز، این بود که کسی با نام مستعار و دروغ وارد شورا نشود و از همه شرکت کننده ها کپی پاسپورت و آدرس دقیق و مشخصات کامل خواستند. ح-

**شاهنشاه ایران و طاغوت و غاصب بودن ایام سلطنت شاهان پهلوی و درنهایت عدم مشروعیت تداوم سلطنت و قانون اساسی و متمم آن نکرده است و در کنار این مهم، اصل عدم مشروعیت جمهوری اسلامی که پایه و اساس مبارزه فلسفی و حقوقی سلطنت طلبان است، آنرا به حاشیه رانده است.**

بفرمائید باتفاق در مراتب مهم بالا به تفحص و تحقیق برویم.

موافقت بفرمائید که مقدمه موضوع بایک تشبیه بنا شود.

کسی را منظور دارید که در محیطی، ساخت و ساز فکری پیدا کرده که به نجابت زن بسیار اهمیت میدهد دختری برای ازدواج کاندید میشود باسواد- خوش بیان - زیبا روی - اهل هنر- از خانواده محترم ولی معروف به فساد اخلاق و هرزگی و فحشاء است. آن مرد به اعتبار جو زمان و مکان و اهمیتی که برای نجابت زن قائل است تمام مزایای آن زن را تحت الشعاع قرار داده و از آن مزایا میگذرد و قید آن دختر را میزند.

### **تشبیه مورد**

اکنون جهان در جو آزادی خواهی و دموکراسی خواهی گرفتار است. هر کس با هر موقعیت دست و پا شکسته ای در میدان مبارزه زیر چتر آزادی و محکوم ساختن دیکتاتوری سنگر گرفته است نه تنها افراد که حتی دولتها. برآستی که نمیتوان کسی را پیدا کرد که در این سنگر، جایگاه آزادی خواهی و نفرت از دیکتاتوری راست یا دروغ برای خود هرچه بلند و بالا انتخاب نکرده باشد. اصلا علامت زنده بودن و انسان بودن، شعار آزادی خواهی شده است.

آقای امیر یحیای آیت الله زاده در تحلیل موردی عبارتی بکار برده که این تحریر از آن بصورت وام استفاده و آنرا پشتیبان این تحریر ساخته است؛ عبارت مزبور چنین است:

**<اتهام استبداد، همه خیرهای رژیم پیشین ایران را به پای شر رژیم کنونی قربانی میکند>**

یعنی اهمیت متهم ساختن رژیم شاهنشاهی ایران به دیکتاتوری همه دستاوردهای صنعتی، رفاهی، اقتصادی و امنیتی و آموزش و پرورش آن دوران را از موقعیت حقیقی و طبیعی خود خارج و به پای دستاوردهای ذلت بار رژیم جمهوری اسلامی قربانی میکند.

**این مهم یعنی قربانی کردن همه دستاوردهای دوران پهلوی ها که تنها دستمایه مبارزه صاحبان**

**حقیقی ایران علیه جمهوری اسلامی است و سرمایه افتخار ایرانیان و مشروعیت مبارزه علیه جمهوری**

**اسلامی به حساب میآید بوسیله همین مهدی خسروی صورت گرفته است.**

چطوری؟ اینطوری

**اول آشنائی با افکار خسروی**

خسروی یک وبلاک نویس است. آنطور که مدعی است بعد از تظاهرات سال ۸۸ از ایران خارج شده است و قبل از اینکه بتواند شورای تجزیه طلبان و سخنگوی آنرا مهار کند، سخت علیه شاهنشاهی ایران و شاهان پهلوی فعال بود. در کجا در همان وب سائیتی که اعلیحضرت مدتی با اصرار آن وب سایت را پشتیبانی میکردند. کما اینکه اکنون هم هست. برخی از عناوین مقالات او که بوسیله آقای شهرام همایون منتشر شده و معرف و مستند آشنائی با افکار اوست اینهاست:

◀ >هروقت رضاپهلوی گفت از کودتای پدرش علیه مصدق انزجار دارد آنوقت میشود گفت آدم دمکراتی است.< چه آسان است دمکرات بودن! شیره را خورد وگفت شیرین است.

◀ >آقای رضا پهلوی رقم ۶۰ یا ۶۰۰ میلیون دلار ثروت پدیرت اهمیت ندارد مهم روش دیکتاتوری پدرشماست که سبب پیدایش جمهوری اسلامی شد.<

چقدر کسی باید از جریان ایران و شورش ۵۷ پرت باشد که از نقش کشورهای خارجی و ماهیت شورش ۵۷ در این حد غافل مانده باشد - فراموش نکنید که یارو (خسروی) رئیس شورای اجرائی شورای تجزیه طلبان هم هست (درخت گردکان آنقدر بزرگ!! است درخت خربزه الله اکبر).

◀ >در سالگرد مصدق بزرگ آیا پهلوی ها به ایران خدمت کرده اند؟< البته که از نظر حمقا و دشمنان خیر.

◀ >آقای رضاپهلوی، آیا فقط باید برای اعدامیان در جمهوری اسلامی اعلامیه بدهید؟ چرا برای اعدام دکتر حسین فاطمی اعلامیه نمیدهد؟< - چرا خود خسروی نمیدهد که همه به او بخندند؟

◀ >آقای رضا پهلوی، تازمانی که نقض حقوق بشر پدیرتان را محکوم نکرده اید لطفا ادعای سخنگویی شورای ملی را نداشته باشید.

این مواضع فکری و اعتقادی کسی است که امروز با قرار داشتن در همان مواضع، رئیس قسمت اجرائی شورای تجزیه طلبان است. میگویند درشورا صاحبان همه عقاید سیاسی جمعند؛ ولی آیا کسی با این عقاید شیطانی میشود رئیس قسمت اجرائی باشد؟ غیرت انسان از همین ممرها قابل ارزیابی است. سلطنت طلبانی که در آن حوزه ضد ملی قرار گرفته اند به یکایک موارد مواضع فکری خسروی که بخش کوچکی از کل است دقت کنند و آنوقت از وجدان سیاسی خودشان راجع به غیرت و انصاف و مردانگی خودشان نظربخواهند.

**مواضع فکری و اعتقادی در شخص خسروی چندان مهم نیست، جیبی ها هم کم و بیش دارند ولی تلاشهای او برای جا اندازی آن افکار و اخذ اقرار و تسلیم از جانب اعلیحضرت مهم است که نشان میدهد کاری که او در جهت سیاست و خواست جمهوری اسلامی و راستای ساقط ساختن مشروعیت و تداوم سلطنت و اجرای طرح هنری برشت در عدم انتقال سلطنت به ولیعهد انجام داده تا چه حد مهم است.**

**جریان اجرا**

مختصر جریان اجرای طرح خسروی مقصود؛ (تازمانی که نقض حقوق بشر پدران را محکوم نکرده اید لطفا ادعای سخنگویی شورای ملی را نداشته باشید)

به این کیفیت بود که افرادی از شورای تجزیه طلبان به سردستگی همین خسروی اعتراض داشتند که چرا رضایه‌لوی که پدرش دیکتاتور بوده و قانون اساسی رازیریا گذاشته بعنوان سخنگوی شورا انتخاب شده است.

جواب شورا نسبت به اعتراض بالا این بود که >درست است که شاه فقید (در آنجا از «شاه فقید» با عنوان مردک یاد شده) دیکتاتور بوده ولی پسرش اعمال پدرش را محکوم کرده است بنابراین تصدی ایشان بعنوان سخنگویی قابل ایراد نیست.

کشاکش گفتگو در جلسه شورا به آنجا کشید که محکومیت شاهنشاه ایران بوسیله فرزندشان وضعیت حال و روز پیدا کند تا ثابت شود که محکومیت شاهنشاه بوسیله فرزندشان مستمر و متوالی بوده است.

برای اجرای برنامه مزبور برنامه ای در کانال آقای شهرام همایون ترتیب داده شد که همین خسروی چشم در چشم اعلیحضرت در مقابل میلیون ها شنونده و تماشاچی از رضایه‌لوی خواست که شاهنشاه ایران را در رابطه با دیکتاتوری و نادیده گرفتن قانون اساسی محکوم کند، که در کمال تاسف هم اعلیحضرت تمام خواست های خسروی را اجابت و در عبارت <واقعیت واقعیت است؛ و حقیقت، حقیقت> اسناد فلسفی و حقوقی مبارزه سلطنت طلبان رابه مهر «باطل شد» ملوث ساختند.

میدانید در مقابل این تمکین برباد دهنده شرافت و فرهنگ و هویت ملت ایران چه دادند؟ اجازه عنوان سخنگویی شورای تجزیه طلبان به اعلیحضرت که همین خسروی رئیس شورای اجرائی آن است.

(علاقمندان به مفصل جریان بالا به تحریر ششم اکتبر ۲۰۱۳ پسر و پدر از سلسله تحریرات رجوع کنند)

تائید ادعای کذب دیکتاتوربودن شاهنشاه تمامی دستاوردهای ایام آن شاهنشاه را زیر سوال میبرد زیرا از مسیر غیرقانونی (نایدیه گرفتن قانون اساسی) و نبود آزادی بوجود آمده است، و دستاورد ملی محسوب نمیشود؛ بنابراین هر قدر هم سلطنت طلبان بکوشند و کارنامه منورایام سلطنت شاهنشاه را ارائه بدهند در مقابل ادعای ناحقی که اعلیحضرت (فرزند شاهنشاه) مدافع آن است راه بجائی نمیبرد و میشود داستان کاسه داغتر از آش ویا؛ شاه میبخشد و شیخ علیخان نمی بخشد.

همواره برداشت توده مردم از ظاهر است و برداشت اهل علم و تحقیق از محتواست وقتی فرزندی اعمال پدرش را محکوم کرد، برداشت توده مردم تحقق یافته است و تا شما بخواهید به جنبید سار از درخت پریده است.

ادعای نادیده گرفتن قانون اساسی که درکمال تاسف مورد تائید اعلیحضرت (در عبارت واقعیت‌یال واقعیت است و حقیقت، حقیقت است) قرار گرفته تمام دوران سلطنت شاهنشاه و رضاشاه بزرگ را به حکومت غاصب و طاغوت تبدیل میسازد که از جمله آثار آن عدم تداوم سلطنت و انتقال سلطنت به ولیعهد است (طرح هنری برشت) این مهم که سالهای سال است از جانب جمهوری اسلامی و وزارت خارجه آمریکا و عاملیت اسراییل دنبال میشود؛ بوسیله همین مهدی خسروی بصورت سند کامل و به تائید فرزند شاهنشاه کسی که بهر حال در مسئله مشروعیت تداوم سلطنت حق مسلم قانونی و شخصیت اول است رسیده است.

به این ترتیب و با این صحنه سازی خسروی مبارزه سیاسی و فلسفی سلطنت طلبان با قدمت ۲۵۰۰ ساله و پشتیبانی فرهنگی و تاریخ ایرانی و اسناد و شهادت های بسیار به سینه تاریخ میخکوب شد که نسلهای آتی شاید آنرا بخوانند و یا نخوانند.

آیا دشوار است به اهمیت این خدمت خسروی آگاه شوید؟ خسروی بزرگترین نگین فعال سرکوب مبارزه علیه جمهوری اسلامی در جهت خلع سلاح فلسفی و اعتباری سلطنت طلبان است.

### تحقیر ملت

✓ کار خسروی به همین مقوله محدود نشد؛ بلکه تحقیر ملت بوسیله اعلیحضرت یکی دیگر از دستاوردهای اوست. دستاوردی که میداند شورشیان ۵۷ برای ملت موجودیت حقوقی قائل نبودند و نیستند و از احترام ملی و قدرت ملی و امثال آنها رنج میبرند.

اعلیحضرت بیانی داشته اند که بکرات بازگوشده و آن این است.

<اثری که نماینده یک ملت بوده است را نمیتوان تحقیر کرد چنین تحقیری تحقیر ملت است> یعنی

تحقیر شاهنشاه ایران که نماینده هویت ملی ایرانیان بوده مساوی است با تحقیر ملت؛ که بوسیله همین

خسروی پایدار و به تائید اعلیحضرت رسید.

### تائید بی نزاکت بودن

در مصاحبه با فیگارو فرمودند: <من بسیار باید بی نزاکت باشم که بخواهم خود را در مقام قضاوت و داوری پدرم قرار دهم> ( دقیقاً فرهنگ و تربیت ایرانی).

دیدید که خسروی توانست با قراردادن اعلیحضرت در مقام قضاوت منفی نسبت به پدرشان تائید بی نزاکت بودن راهم از ایشان بگیرد.

### در کتاب انتخاب زمان

مصاحبه کننده در کتاب انتخاب زمان، راجع به اتهام دیکتاتوری شاهنشاه از اعلیحضرت سوال میکند. اعلیحضرت میفرماید: «برای من این پرسشی است دردناک که یک فرزند نمیتواند درسخن گفتن از پدرش از هر واژه ای استفاده کند، آنهم وقتی که پدرنمیتواند از خود دفاع کند». (صفحه ۲۵)

ملاحظه میکنید که اعلیحضرت باچه صراحتی علیرغم آنچه که در کتابشان فرموده اند پدرشان را باقوی ترین الفاظ حقوقی محکوم مینمایند. این هنرنمایی حیرت آور «کار» خسروی است.

## مهره ناب

استناد به اظهارات اعلیحضرت که به اشاره آمد خواننده را در تاثیر نقش خسروی در اثرگذاری بروح و روان اعلیحضرت آشنا میسازد و در این برداشت هاست که او مهمترین و ناب ترین مهره ای بحساب میآید که میتواند وتوانسته است، اپوزیسیون جمهوری اسلامی را به آن سو که منافع جمهوری اسلامی متضمن آن است بکشانند، مهره ناب یعنی همین که عرض شد.

## صحنه سازی دیگر

**خسروی در مصاحبه با آقای شهرام همایون مدعی شد که تمام وبلاکهای رضا پهلوی را او مینویسد و همچنین اضافه کرد که وبلاکهای دیگران را هم (بدون ذکر نام) او تهیه میکند.**

این تحریر عقیده دارد که متن نامه ای که ظاهراً به نخست وزیر ایتالیا نوشته شده، دیکته خود خسروی است زیرا مقدمه و موخره و موضوع نامه به هیچوجه حتی ذره ای لازم نمیساخته که اعلیحضرت خودشان را یار خسروی متهم معرفی کنند. نمونه های بسیاری حاکی است که توصیه کننده متهم را بعنوان مردخوب، خدمت گذار جامعه، اهل تحقیق و مردم دوست و عیال وار و امثال آنها معرفی میکند و به اعتبار این ملاحظات درخواست کمک به متهم را دارد. چنانکه در نامه رییس شورا به نخست وزیر ایتالیا این روال معمول رعایت شده و اظهار گردیده: «ایشان از فعالان سیاسی است و نیازی به پشتیبانی دارد».

هرگز دیده نشده است که توصیه کننده متهم را یار خود معرفی کند. اگر هم یاران متهم قصد کمک به متهم را داشته باشند در کنار موضوع وبدون وابستگی و یاری بودن وارد عمل میشوند (این تحریر ممنون و متشکر است اگر کسی با نمونه ای مشابه با نامه منتسب به اعلیحضرت به نخست وزیر ایتالیا واستفاده از یار بودن برخورد داشته، این تحریر را در مقام گوشزد قرار دهد).

آیا غیر معمول نیست که متن نامه شورا با متن نامه منتسب به اعلیحضرت با چنین تفاوت فاحشی همراه باشد؟ و این خود میتواند دلیل دیکته کردن نامه به نخست وزیر ایتالیا به امضای رضا پهلوی از ناحیه خسروی و «یاران پشت پرده او!» شناخته شود.

یار، در فلسفه، معیاری است برای شناختن افراد به این توضیح که از طریق یار میتوان به خصوصیات شخص و یا اشخاص آشنا شد و با استناد به عنوان یار دادن خسروی به اعلیحضرت، یار به آن معنا میشود که اگر کسی میخواهد بداند که اعلیحضرت کیست و چه میفرماید برود و ببیند که خسروی کیست و چه میگوید و برعکس.

این عمل که صورت گرفته ممکن است صحنه سازی برای کسب موقعیت موهوم و سوء استفاده از موضع منشی گری شناخته شود؛ چنانکه هم اکنون در ملاحظات وسایت ها و وبلاکها نام یاشار پارسا (مهدی خسروی) با پسوند یشار رضا پهلوی دیده میشود.

مفهوم حقوقی کلمه یشار درنامه مزبور به عنوان نخست وزیرایتالیا این میشود که اگر آقای خسروی متهم است اعلیحضرت هم یشار اودرقضیه اتهام است؛ و از نظر حقوقی اگر تحقیقی از خسروی لازم است دائره این لزوم به یاران او و ازجمله اعتراف اعلیحضرت به یاربودن با متهم نیز سرایت دارد. معلوم است که این تحریرپایان نیافته است.

